



جریان‌شناسی روشن‌فکری دینی در ایران معاصر

جریان‌شناسی عبارت است از شناخت منظومه و گفتمان، چگونگی شکل‌گیری، معرفی موسسان و چهره‌های علمی و تاثیرگذار در گروه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. هر جریان اجتماعی به لحاظ فکری دارای اندیشه‌ای خاص در عرصه‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی است و به لحاظ اجتماعی دارای مرجعیت اجتماعی و اثرگذاری در جامعه می‌باشد؛ به گونه‌ای که جمعی از مردم پیروان آن به شمار می‌آیند.

جریان فکری، تشکل و جمعیت اجتماعی است که از مبانی اندیشه‌ای برخوردار است. مبانی اندیشه‌ای در جریان‌های شناخته‌شده، ممکن است رویکرد فلسفی، کلامی، شرقی و یا غربی داشته باشند. جریان فرهنگی، تشکل و جمعیت اجتماعی است که بیش از آنکه به مباحث فلسفی و کلامی بپردازد، از فعالیت فرهنگی و تبلیغی برخوردار می‌باشد. برخی از جریان‌های فکری ممکن است به مرور زمان به جریان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تبدیل گردند.

شناخت، تبیین و تحلیل انواع جریان‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ادبی به ویژه جریان‌شناسی فکری در هر نظام اجتماعی، یک ضرورت غیرقابل انکار است. مسوولان و شخصیت‌های فرهنگی باید بیش از دیگران، جریان‌های شاخص و چهره‌های مطرح در این جریان‌ها را بشناسند. گاهی برخی دانشجویان یا طلاب جوان بهتر از عناصر و چهره‌های شاخص فرهنگی کشور، جریان‌های فکری معاصر را می‌شناسند و این وضعیت بسیار تأسف‌بار است. آسیب‌شناسی معرفت و معیشت دینی، درصدد مطالعه، شناخت، پیشگیری از کجروی و جلوگیری از بازگشت مجدد بحران‌هایی است که با انتظارات منطقی از دین، جامعه دینی ایران و ماهیت دین اسلام سازگاری ندارد. توضیح مطلب آنکه آسیب‌ها و بحران‌ها و به تبع پیشگیری و درمان آنها به دو شاخه معرفت دینی و تحقق خارجی دین تعلق دارد.

اولین بحثی که در روشن‌فکری دینی مطرح است، چیستی روشن‌فکری و کیستی روشن‌فکر است و اینکه آیا می‌توان دین را در کنار پدیده‌ای که تنها دغدغه پرسش‌گری و اندیشیدن مستقل دارد و تلاش می‌کند که از قیومیت فکری در آید و هر چیزی را نقادی کند، نشانند. نخبگان در دنیای سنتی با عنوان دانشمندان و هنرمندان و حکیمان شناخته می‌شوند و روشن‌فکری ارمغانی است که دنیای مدرن به همراه آورده و از عصر روشنگری غرب برآمده است. روشن‌فکران در جنسیت یا شغل یا وطن یا رشته دانشگاهی و حوزوی معینی به لباس روشن‌فکری ملیس نمی‌شوند؛ بلکه در یک کارکرد فکری و فرهنگی و اجتماعی مشخص اتحاد دارند. شاخص اصلی روشن‌فکری عقلانیت و خردپذیری و خردگرایی و نقد وضع موجود و حل چالش اصلی دنیای معاصر یعنی مدرنیته و دین است. روشن‌فکری دینی با گرایش سوسیالیستی یا لیبرالیستی، بیش از دینی بودن به سوسیالیسم یا لیبرالیسم گرایش دارند. اگر روشن‌فکری دینی، نقاد ماهیت و حقیقت دین و دینداری است که در آن صورت روشن‌فکری دینی به این معنا را باید مترادف روشن‌فکری سکولار دانست، نه به معنای جریانی که درصدد است میان مدرنیته و دین یا دنیای مدرن و اسلام جمع کند. اما روشن‌فکران ایرانی متقدم مانند سید جمال‌الدین چنین انگیزه‌ای نداشتند و می‌خواستند در برابر روشن‌گری سکولار، جریان روشن‌فکری دینی را برای آشتی دادن دین اسلام و مدرنیته بیان نمایند.